



شیعیان سنی

ببینیم محمد ابن عبدالله با چه روشی تلاش کرده است که دین من در آوری خود و سلمان پارسی را به مردم قالب کند! میدانید که کلمه‌ی مسلمان بر گرفته از نام سلمان است (محمد + سلمان = مسلمان) و بدینوسیله سلمان محصول مشترک خودش با محمد ابن عبدالله در تاریخ به نام خودش ثبت کرده است.

روش اول: بستن راه بر دیگران

"سوره‌ی احزاب آیه ۵"

امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خودم را و پسندیدم برای شما دین اسلام را

محمد ابن عبدالله که از مشاورت سلمان پارسی برخوردار بوده و قصه‌های زیادی درباره پیامبران ساختگی پیشین آموخته و بارها نیز در قرآن به بازگویی این قصه‌ها پرداخته بود، تصمیم می‌گیرد تا راه را بر پیامبران بعدی ببندد و بنابراین با نزول این آیه و آیه‌ی دیگری شبیه به همین اعلام می‌کند که اسلام کاملترین و آخرین دین الله است و به تعریف و تمجید این دین از زبان الله می‌پردازد.

بر پایه این استدلال باید پیروان سایر ادیان نیز به دین اسلام بپیوندند و در غیر اینصورت آنها در صراط مستقیم قرار ندارند و از دینی پیروی می‌کنند که کامل نیست! به عبارتی دیگر محمد ابن عبدالله مدعی می‌شود که الله هم قبل از اسلام سر بشریت را کلاه گذاشته و دین ناکاملی را به بشریت قالب کرده بوده!

اما مدتی از این ادعا نگذشته بود که شیعیان متوجه می‌شوند که دین محمد ابن عبدالله نیز ایراد فراوان دارد و او هم جنس تقلبی به مردم فروخته است.



از این رو شیعیان بر ضد محمد ابن عبدالله اقدام کرده و برای کامل کردن دین الله، چند تا امام و امامزاده به دین اسلام اضافه می‌کنند. ولی اعراب آنزمان با آگاهی کاملی که از تاریخ و پیشینه‌ی خونبار اسلام داشتند و می‌دانستند که امامان شیعیان همگی تقلبی و به دنبال شهوترانی و خلافت بوده‌اند، در نتیجه حرفه‌ی امامت و خدمت به مردم در بین اعراب خریداری پیدا نمی‌کند، ولی شیعیان جدا شده از اسلام بازار دین فروشی را بین مردم ایران گسترش داده و خلاصه همه‌ی آن خرافات را به نام مذهب شیعه و تکمیل‌کننده کار نیمه تمام محمد ابن عبدالله به ملت فرهنگ‌باخته و از آئین نیاکانی جدا شده‌ی ایرانی تحمیل می‌کنند.

به این ترتیب کسانی که از انتشار شیعه سود می‌بردند به اصول دین اهل تَسَنُّن دو اصل دیگر با عناوین **عدل و امامت** اضافه کردند و اسم آن را اصول مذهب شیعه گذاشتند. داستان ادامه پیدا کرد تا رسید به زمان صفویه و شاه اسماعیل صفوی برای محکم کردن پایه‌های حکومت خویش از گروه شیعیان بهره‌براری کرد و طولی نکشید که مذهب شیعه را دین رسمی کشور اعلام نمود.

با توجه به شناختی که در آنزمان کارشناسان فارغ‌التحصیل حوزه‌ی علمیه‌ی لندن از روحیه‌ی و آداب و رسوم ایرانی‌ها کسب کرده بودند، پیش درآمدهای استحمار و بردگی این ملت را تدارک و سالهای سال به راحتی فرزندان کشور را زیر دست آخوندهای شیعه مغزشوئی و گمراه کردند تا رسید به دوران قاجار و حتا در زمان حکومت پادشاهان میهن پرست پهلوی، در کتب دبستان و دبیرستان‌ها به فرزندان ایران آموزش اصول دین و مذهب دادند و تلاش کردند که به واژه مذهب مفهوم دیگری بدهند. از طرفی این اقدام شیعیان یعنی ایجاد یک نسخه جدید از دین اسلام به معنی پذیرش وجود نقص در گفته‌های الله و محمد ابن عبدالله است. ولی قرآن می‌گوید اسلام دین کاملی است که در نتیجه شیعیان دروغ می‌گویند.



چنانچه به گفته‌ی شیعیان، اسلام با امامت کامل شده باشد، پس محمد ابن عبدالله به مسلمانان دین قلبی فروخته بوده است.

روش دوم: وعده‌های توخالی

که محمد ابن عبدالله به عربها داده تا حرفش را به کرسی بنشانند، مانند سایر انسانهایی که برای کسب قدرت تلاش می‌کنند یکسری وعده‌های نسیه نیز بدهد. با نگاهی در قرآن با این وعده‌های بی پایه و اساس بیشتر آشنا می‌شویم:

پادشهای **سوره‌ی ۷۹** آیه **۳۱** و همه‌ی پادشهای سوره الرحمن همه نشانگر آنست که محمد ابن عبدالله تمام آنچه را که مورد علاقه خودش بوده، به دیگران هم وعده می‌داده است. از نهرهای آب روان گرفته تا دختران نارپستان

روش سوم: تهدید و ارعاب

"سوره‌ی ۴ آیه ۷۶"

پس باید کارزار کنند در راه الله با آنها که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت و هر که کارزار کند در راه الله پس کشته شود یا غالب آید پس زود باشد که بدهیم ایشان را مزدی بزرگ...

همین آیه است که از مسلمین انسانهایی تروریست می‌سازد و برای آنها فلسفه انتحار را توجیه می‌کند.

"سوره‌ی ۱۵ آیه ۴"

و هلاک نکردیم قریه‌ای را مگر برایشان نوشته‌ای معلوم کردیم از قرار معلوم برای بعضی قریه‌ها از قبل دستور تنبیه صادر شده و برایشان راه گریزی نبوده!



"سوره‌ی ۱۷ آیه ۱۷"

و اگر بخواهیم که هلاک کنیم قریه‌ای را، به آنها نعمت می‌دهیم بعد نافرمانی می‌کنند بعد ثابت می‌شود که گناه کارند بعد آنها را هلاک می‌کنیم! این هم روش جالبی برای از بین بردن انسانهاست که الله نیز کمی تفریح کرده باشد!

"سوره‌ی ۱۷ آیه ۶۰"

و نیست هیچ قریه‌ای مگر آنکه ما نابود کننده‌اش باشیم پیش از روز قیامت... معلوم می‌شود که قضیه مجازات فقط در روز قیامت نیست! الله برای سرگرمی هم که شده هزاران قبیله را به نابودی محکوم کرده و زندگی انسانها را به آتش می‌کشد.

"سوره‌ی ۱۳ آیه ۱۲"

به درستیکه الله تغییر نمی‌دهد سرنوشت اقوام را تا آنکه خودشان تغییر دهند.. این آیه با آیه‌های پیشین کمی فرق دارد و علیه آیات قبلی بلند شده است. به این ترتیب نیست که الله هر وقت دلش خواست و خوشش آمد، برخاسته و قریه‌ای را تنبیه می‌کند، بلکه اهالی قریه هستند که خودشان باعث تغییر سرنوشتشان می‌شوند.

"سوره‌ی ۹ آیه ۵"

پس بکشید مشرکان را هر کجا که بیابیدشان و بگیرید و حبس کنیدشان بی‌جهت نیست که در جمهوری اسلامی هم اول اعدام می‌کنند و بعد شلاق می‌زنند! خدای محمد ابن عبدالله هم گفته بکشیدشان و بعد بگیرید و حبسشان کنید!



"سوره ۹ آیه ۱۲۴"

ای کسانی که ایمان آوردید بکشید نزدیکانتان را که کافر شدند....

همانطوری که بعد از کودتای ننگین سال ۵۷ روح‌الله‌خمینی با اغفال جوانان ساده‌لوح آنها را به جاسوسی بین خانواده‌های خودشان گماشت تا که خویشان و نزدیکان خود را لو دهند!

براساس این آیات ضد و نقیض، تمام آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و شرقی‌هایی که ایمان نیاورده، مسلمان نشده‌اند، مشروب می‌خورند و یا حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، همه در لیست اعدام مسلمانان قرار دارند و کافست که رهبر شیعیان جهان به یک بمب اتم دسترسی پیدا کند، آن وقت با دنیا آن کند که پیروان محمد با ایرانیان کردند.

روش کار هم خیلی ساده است، به این ترتیب که اول رهبر کشورهای اسلامی یک نامه برای شما کافران می‌فرستد و می‌گوید که اسلام بیاورید! اگر اسلام آوردید که باید خراج بدهید و در غیر اینصورت یک فقره بمب اتمی با رمز یا زهرا می‌فرستند روی سر ملت بی‌گناهی که اسلام نیاورده‌اند تا سایر دولت‌ها یاد بگیرند.

راستی چرا با این همه دلایل واضح که هرروز در اخبار سرتاسر دنیا شنیده می‌شود؛ کشورهای اروپائی و آمریکا به طمع غارت بیشتر ثروت ملی ایران و کسب منافع بیشتر نشسته‌اند تا شاهد حوادث تکراری دیگری باشند؟ هنگامیکه حیات و مرگ یک مسلمانان خرافاتی برایش فرقی نمی‌کند و آنها اگر نامسلمانی را بکشند به هر حال به بهشت می‌روند، چرا زودتر آنها را خلع سلاح و راهی بهشت یا جهنم نمی‌کنند؟

چرا باید مردم دنیا بپذیرند که اگر مسلمانی یک یهودی را کشت کاری عقیدتی کرده ولی اگر یک یهودی مسلمانی را کشت جنایت کرده است؟



واما همه می‌دانیم که مشکل کشور ما ایران بالاتر از اینهاست. حالا که استعمار پیر ملت ایران را تا این حد ناتوان کرده، پر واضح است که نمی‌خواهد به این راحتی این ملت ستم‌دیده را به حال خود رها کند، چرا که هنوز میلیاردها تن نفت و ذخائر زیرزمینی در زیر پای این ملت اسلامزده‌ی خرافاتی و بیگانه‌پرست وجود دارد که از قرار معلوم خودشان استعداد و لیاقت بهره‌برداری از آن را ندارند.

و همین طرز تفکر است که در طول سدها سال گذشته، غارتگران بیگانه را با کمک وطن‌فروشان ایرانی‌نما به فکر چپاول ثروت ملی ما روز و شب توطئه می‌کنند و آرامش و امنیتِ تمام منطقه را به آتش کشیده‌اند. هم میهن مبارز:

باید سینه را سپر و با اتحاد و همبستگی با یاران و مبارزین جنبش آزادی ایران، دست بیگانه را از منافع کشورت قطع، و خودفروختگان داخلی و خارجی را به دادگاههای ملی سپرد.

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد ملت ایران

نوشیران

بنیاد ایران‌نابانان

سه‌شنبه ۱۱ مهرماه ۲۵۷۵ شاهنشاهی | ۳ اکتبر ۲۰۰۶ مسیحی